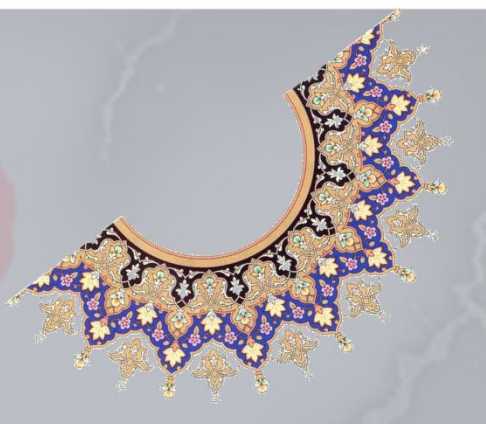
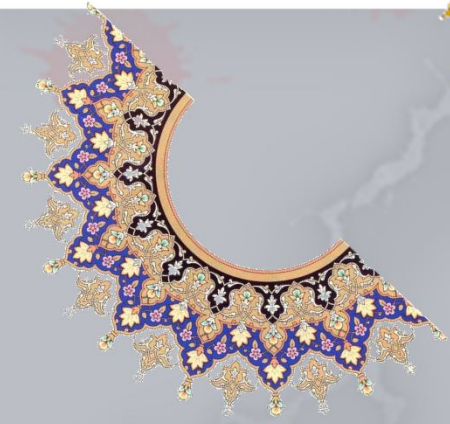
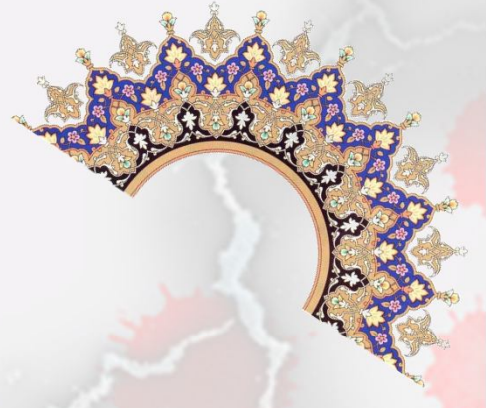


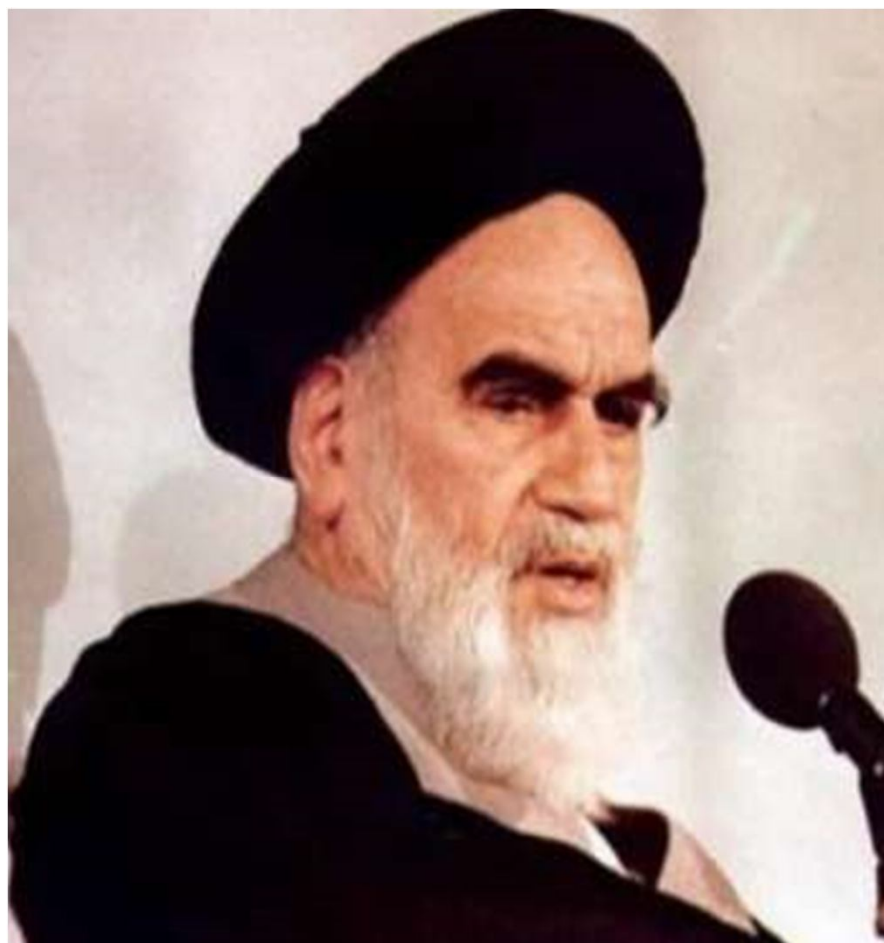
بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مقاومت پیروز



مبانی قرآنی نظریه مقاومت



ما می گوئیم تا شرک و کفر هست،
مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما
هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با
کسی دعوا نداریم.

ما تصمیم داریم پرچم **لا اله الا الله**
را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری
به اهتزاز درآوریم.

صحیفه امام خمینی، جلد ۲۱، صفحه ۸۸.

نظریه **مقاومت** در مقابل دشمن
قوی پنجه را تبلیغ کنید، ترویج
کنید. بعضی تصور نکنند که
چون دشمن بمب دارد، موشک
دارد، دستگاه های تبلیغاتی دارد
و از این قبیل، ما عقب نشینی
کنیم. نه خیر! نظریه **مقاومت** یک
نظریه اصیل و درست است؛ هم
در مقام نظر و هم در مقام عمل.

۱۲ آبان ۱۳۹۷ در دیدار با دانشجویان
و دانش آموزان.



مقدمه

پیروزی شکوهمند جمهوری اسلامی ایران در قرن معاصر بر رژیم طاغوت، علاوه بر تغییر در هندسه سیاسی جهان - که متشکل از مثلث زر و زور و تزویر بود- با تشکیل حاکمیت دینی، کارآمدی دین را به اثبات رسانده و به نصرت حق، در پرتو **مقاومت** و **ایستادگی**، نظام نوینی مبتنی بر آموزه های اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم طرح ریزی و عملیاتی کرد. این انقلاب در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را سپری می کند که به بسیاری از واژگانی که در پستوی دایره المعارف ها و فرهنگ لغات، غبار و گرد غربت را تحمل می کردند، روح تازه ای داد و در ادبیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دفاعی جهان به آنها معنا بخشید.

مقدمه

مقاومت از جمله آن واژه هاست که امروز از دایره لغت خارج و به جریانی تبدیل شده است که نهضت عظیمی در تحول بنیان های فکری و اندیشه ای و نیز در عرصه اقدام و عمل به راه انداخته است؛ واژه غریب دیروز امروز گفتمان غالبی شده است که دوستان و یاری کنندگان دین خدا را مسرور و به نماد «**لهم المنصورون**» مبدل ساخته است؛ **مقاومتی** **پیروز** که کاخ استبداد را به لرزه انداخته و استقلال، عزت و شکوه را برای مسلمین به ارمغان آورده است.

این واژه را در قرآن می توان با معانی متعددی فحص نمود که در این نوشتار در سه فصل به بخشهایی از آنها در سه حوزه چپستی، چرایی و چگونگی می پردازیم.



ان شاء الله بینید و بینیم:
به زودی در قدس
نماز جماعت خواهید خواند

به
قلاپ

فصل اول: چیستی مقاومت؟

بخش اول: مفهوم شناسی مقاومت

بخش دوم: چیستی مقاومت خاص؟!

بخش اول: مفهوم شناسی مقاومت

از ریشه قوم به معنای قرار گرفتن یک شیء به شکلی که تمام آثار و منافع آن شیء مترتب بر آن حالت باشد؛ مثل حالت قیام برای انسان که بیشترین کارایی را دارد.

ریشه
مقاومت

مفهوم شناسی مقاومت

معنای
لغوی

ایستادگی

مقاوم بودن

پافشاری

ثبات

استحکام

تسلیم نشدن در برابر کسی

مفهوم اصطلاحی مقاومت

هر نوع ایستادگی بر اساس دستور اسلام توسط یک مسلمان یا جمعی از مسلمان ها در مقابله با هوی و هوس شیطان و دشمن در هر زمان و مکان را مقاومت به مفهوم عام تعریف می کنند.

مفهوم
عام

مقاومت مسلمانان، کشورها، سازمان ها و گروه ها بر اساس دستورات اسلام در برابر تهاجم نظام سلطه و متحدان آنها را مقاومت به مفهوم خاص تعریف می نمایند.

مفهوم
خاص

پیرامون نظریه مقاومت از این واژه ها در قرآن می توان بهره جست:

ولایت	۱	قدرت	۱۰
مودت	۲	غلظه	۱۱
اطاعت	۳	استکبار	۱۲
ثبات قدم	۴	استضعاف	۱۳
مقاومت	۵	هوی	۱۴
جهاد	۶	استطاعت	۱۵
عزت	۷	بطانه	۱۶
صبر	۸	ظلم	۱۷
شدید	۹	عنت	۱۸

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ
فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ
أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. مجادله / ۲۲

قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده اند هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند دوست بدارند در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تایید کرده است و آنان را به بهشتهایی که از زیر [درختان] آن جویهایی روان است در می آورد همیشه در آنجا ماندگارند خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند اینانند حزب خدا آری حزب خداست که رستگاراند

این آیه از کوبنده‌ترین آیات قرآن است، به مؤمنان هشدار می‌دهد که جمع میان "محبت خدا" و "محبت دشمنان خدا" در یک دل ممکن نیست، و باید از میان این دو یکی را برگزینند، اگر راستی مؤمنند باید از دوستی دشمنان خدا پرهیزند و الا ادعای مسلمانی نکنند می‌فرماید: "هیچ گروهی را که ایمان به خدا و روز قیامت دارد نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان آنها باشند" (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ).

در یک دل دو محبت متضاد نمی‌گنجد، و آنها که دم از هر دو می‌زنند یا ضعیف الایمانند، و یا منافق، و لذا می‌بینیم که در غزوات اسلامی در صف مخالف جمعی از بستگان و خویشاوندان مسلمین بودند، ولی چون خطشان را از خط الهی جدا کرده، و به صفوف دشمنان حق پیوسته بودند، با آنها پیکار کردند، و حتی جمعی از آنها را کشتند.



در این آیه آثار مقاومت در برابر ترک دوستی دشمنان خدا طی پنج مرحله بر شماری شده است:

در مرحله اول و دوم می فرماید: آنها کسانی هستند که خدا خط ایمان را بر صفحه قلوبشان نوشته، و با روحی از ناحیه خودش آنان را تقویت فرموده است " (أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ).

در سومین مرحله می فرماید: " خداوند آنها را در باغهایی از بهشت داخل می کند که نهرها از زیر درختان و قصورش جاری است، و جاودانه در آن می مانند " (وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا).

در چهارمین مرحله می افزاید: " خداوند از آنها خشنود است و آنها نیز از خدا خشنودند " (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ). چه تعبیر جالبی؟ می فرماید " هم خدا از آنها راضی است و هم آنها از خدا راضی " یعنی مقامشان به قدری بالا رفته است که نامشان در کنار نام خدا، و رضایتشان در کنار رضایت او قرار گرفته است.

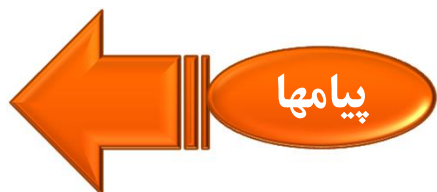
در آخرین مرحله به صورت یک اعلام عمومی که حاکی از نعمت و موهبت دیگری است می فرماید: " آنها حزب الله اند، بدانید حزب الله پیروز است " (أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ).





يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ
يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ
يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مائده/ ۵۴

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر که از شما از دینش بازگردد چه باک زیرا که خدا
مردمی را بیاورد که دوستشان بدارد و دوستش بدارند. در برابر مؤمنان فروتنند و در
برابر کافران سرکش در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامتگری
نمی‌هراسند. این فضل خداست که به هر کس که خواهد ارزانی دارد، و خداوند
بخشاینده و داناست.



عزیز بودن مسلمین در برابر کافران

رفتار مسلمان، نرمش با برادران دینی و سرسختی در برابر دشمن است و هیچ یک از خشونت و نرمش، مطلق نیست. «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»

کسی که ایمان واقعی دارد، هرگز در برابر کافران احساس حقارت نمی کند: «أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»

دلی که از محبت خدا خالی شد بیمار و وابسته به کفار می شود، ولی دلی که از مهر خدا پر است هرگز وابسته نمی شود. «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ» ... («يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ») ... («أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»)

پرچم اسلام را در آینده کسانی بدست خواهند گرفت که عاشق خدا و مجاهد و با صلابت باشند. «يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» ... («أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»)

در راه ایمان و شکستن سنت ها و عادات جاهلی نباید از سرزنش ها و هوچی گری ها و تبلیغات سوء دشمن ترسی داشت و تسلیم جو و محیط شد: جنگ روانی دشمن اثری ندارد: «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»

فضل خدا تنها مال و مقام نیست، محبت خدا و جهاد در راه او و قاطعیت در دین هم از مظاهر لطف و فضل الهی است. «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ»

چهارم آیات

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛
فتح / ۲۹.

محمد رسول خداست و کسانی که با او هستند علیه کفار شدید و در بین خود رحیم و دلسوزند.

شدید بودن به معنای قتال و خشونت نیست؛ بلکه به معنای ایستادگی و سازش ناپذیری و تسلیم نشدن در مقابل دشمنان است.

یاران پیامبر بسان آتشی سخت و سوزان و سدی محکم و پولادین در مقابل دشمنان هستند.

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ
مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْكُمْ وَعَلَيْكُمْ وَ
نَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ
اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ نساء/ ۱۴۱.

همان منافقان که در انتظار فرصتند تا اگر فتحی از ناحیه خدا نصیب شما شود خود را از شما دانسته، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم و اگر نصیب کافران شود به آنان می‌گویند: مگر نبود که ما رهنمودهای خود را به شما قبولانندیم و نمی‌گذاشتیم به دین مؤمنین بگروید، ولی خدا در قیامت بین شما حکم خواهد کرد و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند.

این آیه با یادآوری ویژگی هایی نظیر فرصت طلبی، آتش بیاران معرکه و دو بهم زنی «تضریب» برای منافقان، به قاعده نفی سبیل و مقاومت در برابر پذیرش سلطه کفار ظالم توسط مسلمین تأکید می کند.

۱

مؤمنان، حق پذیرفتن سلطه ی کافران را ندارند، و سلطه پذیری نشانه نداشتن ایمان واقعی است. «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»

۲

باید کاری کرد که کفار از سلطه بر مؤمنان برای همیشه مأیوس باشند. «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ...»

۳

هر طرح، عهد نامه، رفت و آمد و قراردادی که راه نفوذ کفار بر مسلمانان را باز کند حرام است. پس مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند. «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ...»

۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا
وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ
أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ؛ آل عمران / ۱۱۸

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دوست همرازی جز از همکیشان خود مگیرید، که دیگران از هیچ فسادى در حق شما کوتاهی نمی‌کنند و خواستار رنج و مشقت شمايند. و کينه‌توزى از گفتارشان آشکار است و آن کينه که در دل دارند بیشتر است از آنچه به زبان می‌آورند. آیات را برایتان آشکار ساختيم، اگر به عقل دریابيد.

پیام های آیه

دشمنان با روشهای گوناگون با ما برخورد می کنند:

❖ فساد: «لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا»

❖ فشار: «وَدَّوَّا مَا عَنَّا»

❖ نفاق: «مَاتَخَفِي صَدُورَهُمْ أَكْبَرُ»

۱

بیگانگان را محرم اسرار خویش قرار ندهیم. «لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ»

۲

دشمنان خود را بشناسید و هشیار باشید، آنان ذره ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمی کنند. «لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدَّوَّا مَا عَنَّا»

۳

اوامر و نواهی الهی، دلیل و فلسفه دارد. اگر شما را از روابط صمیمانه با دشمنان نهی می کند، به خاطر آن است که آنان در توطئه علیه شما کوتاهی نمی کنند. «لَا تَتَّخِذُوا... لَا يَأْلُونَكُمْ»

۴

مؤمن بودن مسأله ای است و عاقل بودن مسأله دیگر، لذا در این آیه خداوند به مؤمنان می فرماید: کفار را محرم اسرار خود قرار ندهید، اگر عقل دارید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... ان كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»

۵

حرام بودن انتخاب کافران به عنوان سرپرست و دوست صمیمی

۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.
المائدة / ۵۱

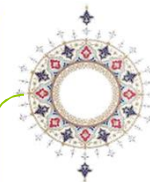
ای کسانی که ایمان آورده اید یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد از آنان خواهد بود آری خدا گروه ستمگران را راه نمی نماید.

وقتی یاری گرفتن از کفار مورد نهی قرآن است، قطعاً در روابط و سیاست خارجی، پذیرش ولایت و سلطه اهل کتاب و کفار ممنوع است. «لَا تَتَّخِذُوا»؛ [سازش و اعتماد به کفار مذموم شمرده شده است]

ولایت کفار و دشمنان را نپذیریم، چون آنان تنها به فکر هم مسلکان خویشند. «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» تبری از دشمن، از شرایط ایمان است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا...»

نتیجه‌ی پذیرش ولایت کفار، قطع ولایت خداست. «فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»؛ تکیه بر کفار، ظلم است. «لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» نه کفار را «ولی» خود گردانید و نه با آنان که ولایت کفار را پذیرفته‌اند، رابطه ولایت داشته باشید. «فَإِنَّهُ مِنْهُمْ»

پیام ها



وجوب عدم اطاعت از کافران و لزوم جهاد با آنها

۷

فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا. آیه الفرقان ۵۲

پس از کافران اطاعت مکن و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز

مراحل مقاومت در برابر کفار به دو شکل هست:

عدم اطاعت از آنان. «فَلَا تُطِيعِ»

مبارزه و جهاد. «وَجَاهِدْهُمْ»

جهاد علمی با منطق
قرآن

پاسخ دادن به
شبهات دشمنان که
جهاد کبیر است

سازش با کفار ممنوع است. «فَلَا تُطِيعِ» (هر گونه تقاضای انحرافی کفار را با قاطعیت رد کنید)

زمانی می‌توانید در برابر کفار، مستقل و مقاوم و با صلابت باشید که متمرکز باشید. «لَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا فَلَا تُطِيعِ» یعنی اکنون که رهبری در وجود یک پیامبر متمرکز است، شما نیرومندید، پس سازش نکنید.



پیام‌های آیه



وجوب عدم اطاعت از کافران و لزوم جهاد با آنها

پیروی نکردن از کفار کافی نیست، جهاد لازم است، آن هم جهادی بزرگ و همه‌جانبه. «فَلَا تُطِعْ ... وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَاداً كَبِيراً»

مبارزه‌ی منفی، یکی از شیوه‌های مبارزه و مقاومت است. (با ترک اطاعت از کفار، با آنان جهاد کن) «فَلَا تُطِعْ ... وَ جَاهِدْهُمْ»

قرآن بهترین ابزار جهاد علمی و فرهنگی و نیرومندترین وسیله‌ی بحث و محاجه با دشمنان اسلام است. «جَاهِدْهُمْ بِهِ» [این هم شیوه‌ای از مقاومت است].

دشمنان شما برای تهاجم فرهنگی و فکری تلاش‌ها دارند، شما هم بیکار نباشید. «جَاهِدْهُمْ» طرفینی است.

جهاد علمی و منطقی علیه کفر و شرک، بزرگ‌ترین جهاد است. «جِهَاداً كَبِيراً»



ادامه پیام‌های آیه





يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ
بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ
أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ
مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ
وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ. ممتحنه / ۱

ای کسانی که ایمان آورده اید دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برمیگیرید
[به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما
آمده کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکه] بیرون می کنند که [چرا] به خدا
پروردگارتان ایمان آورده اید اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون
آمده اید [شما] پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه
پنهان داشتید و آنچه آشکار نمودید دانایترم و هر کس از شما چنین کند قطعاً از راه
درست منحرف گردیده است.

در این آیه طوری که از شأن نزول آن مستفاد است؛ یکی از مسلمانان در پی اظهار محبت به دشمنان اسلام بود که خداوند بلافاصله آنها را به تقویت روح مقاومت در مقابل دشمنان هشدار می دهد و می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و خود را **دوست خویش قرار ندهید**"
(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ) یعنی آنها فقط دشمنان خدا هستند که با شما نیز عداوت و دشمنی دارند، با این حال چگونه دست دوستی به سوی آنها دراز می‌کنید؟! سپس می‌افزاید: **" شما نسبت به آنها اظهار محبت می‌کنید در حالی که آنها نسبت به آنچه از حق برای شما آمده (اسلام و قرآن) کافر شده‌اند، و رسول خدا و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شما است از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند"** (تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ)



مذمت مسلمانان سازشکار و ایجاد ارتباط مخفیانه با کافران

تشویق به مقاومت در برابر دشمنان خدا به واسطه تبری از آنان

مقاومت در برابر دشمنان خدا در خلوت و جلوت رمز هدایت

خدا مسلمین را به مقاومت پیدا و پنهان توصیه فرموده و هر گونه ارتباط با آنها را در خلوت و جلوت منع نموده است: شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌سازید، در حالی که من آنچه را پنهان یا آشکار می‌کنید از همه بهتر می‌دانم!! (تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ)؛ پس باید آگاه باشیم که مخفی کاری فایده ای ندارد؟!

در پایان آیه به عنوان یک تهدید قاطع می‌فرماید: "هر کس از شما چنین کاری کند از راه راست منحرف و گمراه شده است" (وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ). هم از راه معرفت خدا منحرف گشته که گمان کرده چیزی بر خدا مخفی می‌ماند، و هم از راه ایمان و اخلاص و تقوی که طرح دوستی با دشمنان خدا ریخته، و هم تیشه به ریشه زندگانی خود زده است که دشمنش را از اسرارش با خبر ساخته و این بدترین انحرافی است که ممکن است به شخص مؤمن بعد از وصول به سرچشمه ایمان دست دهد.

سازش و دوستی با دشمنان خدا در پیدا و پنهان انحراف از طریق هدایت است.



ادامه پیام های آیه



۹ فَاَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. هود/ ۱۱۲

پس (ای پیامبر!) همان گونه که مأمور شده‌ای، استوار باش و (نیز) هر کس که با تو، به سوی خدا آمده است، و سرکشی نکنید که او به آنچه می‌کنید بیناست.

پیام‌های آیه

۱ سنگین‌ترین سوره‌ای که بر پیامبر نازل شد، هود است؛ پیامبر اکرم می‌فرماید این سوره مرا پیر کرد؛ مفسرین قایلند سنگینی این سوره در همین آیه است که به استقامت یاران پیامبر و بی‌مهری‌های برخی از یاران در عدم استقامت اشاره دارد.

۲ نتیجه‌ی تاریخ انبیا، استقامت است. «فاستقم» و خداوند کیفر و پاداش همه را بدون کم و کاست می‌دهد، پس استقامت کن. «کلا لیوفینهم... فاستقم»

۳ در استقامت و پایداری، رهبر باید پیشگام همه باشد. «فاستقم» و پایداری رهبر بدون همراهی و پایداری امت بی‌نتیجه است. «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»

۴ استقامت در دین، پاداش الهی را در پی دارد. «فاستقم... انه بما تعملون بصیر» پایداری زمانی ارزش دارد که در همه‌ی امور باشد. در عبادت، در ارشاد، تحمل ناگواری‌ها و مانند آن. «فاستقم»

ادامه پیام های آیه امر به استقامت به رسول خدا و مسلمانان

پیام های آیه

۵

استقامت بر اساس حق و وظیفه

استقامت ارزشمند

۶

استقامت در برابر فزون طلبی

استواری در راه دین در برابر
تفرقه های برخاسته از فزون طلبی؛

۷

استقامت در راه تبلیغ دین

استواری در راه دین در برابر
تفرقه های برخاسته از فزون طلبی؛

۸

استقامت در عدالت ورزی

استواری در راه دین در برابر
تفرقه های برخاسته از فزون طلبی؛

توحید و استقامت «مقاومت در کنار توحید»

۱۰

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ. فصلت / ۳۰.

همانا کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست، پس (بر این عقیده) مقاومت نمودند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند (و می‌گویند): نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به بهشتی که پی در پی وعده داده می‌شدید.

آن چه ایمان را بارور می‌کند و به نتیجه می‌رساند، مقاومت است و گرنه چه بسیار مؤمنانی که بد عاقبت شدند. «قالوا ربنا الله ثم استقاموا»

استقامت، در کنار ایمان ارزش است و گرنه کفار نیز بر باطل خود استقامت دارند. «قالوا ربنا الله ثم استقاموا»

استقامتی ارزشمند است که طولانی باشد. «ثم استقاموا» (کلمه «ثم» برای زمان و فاصله‌های دور است)

انسان در اثر ایمان و مقاومت، فرشتگان را به خود جلب می‌کند. «تتنزل عليهم الملائكة»؛ فرشتگان بر غیر پیامبران نیز نازل می‌شوند. «تتنزل عليهم الملائكة»

مقاومت در راه حق، هم خوف از آینده را برطرف می‌کند. «لا تخافوا» و هم حزن و اندوه نسبت به گذشته را. «لا تحزنوا»

پیام‌های آیه

حرام بودن تمایل قلبی و عملی به ظالمان

۱۱

وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ. هود/ ۱۱۳

و به ستمگران تمایل نکنید که آتش (عذاب) شما را فرا می گیرد و (در این صورت) برای شما در برابر خداوند، هیچ دوست و سرپرستی نیست، پس (از هیچ ناحیه‌ای) مورد کمک قرار نخواهید گرفت.

هر گونه تمایل و اعتماد به ستمگران داخلی و خارجی، ممنوع است. «لا تركزوا» (ستمگران، لایق پیروی و رهبری نیستند)

تکیه بر ستمگران، گناه کبیره است. (هر گناهی که قرآن درباره‌ی آن وعده‌ی آتش داده، گناه کبیره است) «لا تركزوا... فتمسكم النار»

به جای تمسک به ظالم، به خدا توکل کنیم. «و ما لكم من دون الله من اولياء»

نتیجه‌ی تکیه بر ستمگران، غربت و تنهایی است. «ثم لاتنصرون»

مودت و محبت به ظالم و اطاعت از او، از مصادیق رکون به ظالم محسوب می‌شود. رکون و تکیه بر ظالم، آتش و عذاب خداوند را در پی دارد.

پیام های آیه

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. ممتحنه ۸/

[اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا خدا دادگران را دوست می دارد.

قرآن مجید در مورد ارتباط و روابط حقوقی تجاری اقتصادی اجتماعی فرهنگی صورت فردی و جمعی نسبت به کافران غیر ظالم دستور به نیکی می دهد

مسلمانان در روابط - ضمن داشتن مرزهای اعتقادی با آنان می توانند با این گروه از کافران روابط حقوقی بر اساس مبانی اسلام و عقل و شرع داشته باشند

بدون ایجاد اعتماد، ولایت و محبت داشته باشند؛ بدون آنکه به آنها خیانت شود با پرهیز از ظلم و ستم، تعدی و ملاحظه اعراض و نواامیس غیر مسلمین.



فصل دوم: چرایی مقاومت؟

بخش اول: اهمیت مقاومت «دستاوردها»

بخش دوم: پیامدهای شوم مقاومت

نصرت الهی و پیروزی بر دشمن



مغفرت الهی

محبت و رضوان الهی

پیشرفت و رفاه

عزت و سر بلندی

عامل امداد های غیبی

معیت و همراهی خداوند متعال

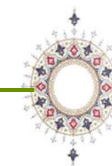
امنیت ساز و نجات بخش از مکر، کید و خدعه دشمن

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّا جُنْدُنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ صافات / ۱۷۳-۱۷۱.

بی شک فرمان ما برای بندگان که به رسالت فرستاده شده‌اند از پیش معین شده است. همانا ایشانند که پیروزند. و همانا سپاه ماست که پیروز است.



پیام های آیه



آینده بشر با پیروزی انبیا و شکست دشمنان آنان است. «لقد سبقت کلمتنا» عبودیت و بندگی خدا، شرط رسیدن اولیا به مقام رسالت بوده است. «لعبادنا المرسلین»

پیروزی پیامبران و مکتب آنان بر دیگر مکاتب حتمی است. «انهم لهم المنصورون» (حرف «ان» و حرف «لام» و جمله اسمیه، نشانه‌ی حتمی بودن است)

بندگی خدا، زمینه‌ی دریافت نصرت الهی است. «لعبادنا... المنصورون» پیامبران و پیروان آنان لشکر خدا هستند و لشکر خدا قطعاً در همه صحنه‌ها پیروز است. «ان جندنا لهم الغالبون»

وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ آل عمران / ۱۴۶

و چه بسیار پیامبرانی که همراه آنان خداپرستان بسیاری جنگیدند، پس برای آنچه در راه خدا به آنان رسید، نه سستی کردند و نه ناتوان شدند و تن به ذلت ندادند و خداوند صابران را دوست دارد.

پیام های آیه

تاریخ انبیا همراه با مبارزه است. «و کاین...» هنگام احساس ضعف، از زندگی رادمردان تاریخ و مقاومت آنان درس بگیرید. «و کاین من نبی»

ایمان به خدا، سرچشمه‌ی مقاومت است. «رَبِّيُّونَ... فَمَا وَهَنُوا» فشارها، مردان خدا را وادار به تسلیم نمی‌کند. «وَمَا اسْتَكَانُوا»

مشکلات نباید عامل سستی وضعف شود، بلکه باید عامل حرکت و تلاش جدیدی گردد. «فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ» آنچه به انسان روحیه می‌دهد و تحمل مشکلات را آسان می‌کند، در راه خدا بودن آنهاست. «فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

زمندگان بصیر، نه از درون روحیه خود را می‌بازند؛ «فَمَا وَهَنُوا» و نه توان رزمی خود را از دست می‌دهند؛ «وَمَا ضَعُفُوا» راه آینده‌ی شما مسلمانان، راه جهاد و مبارزه است، پس باید صبور و مقاوم باشید. انجام وظیفه و پایداری بر حق مهم است، پیروز بشویم یا نشویم: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ. عنکبوت/ ۶۹

و کسانی که در راه ما (تلاش و) جهاد کردند، راه‌های (قرب به) خود را به آنان نشان خواهیم داد و همانا خداوند با نیکوکاران است.

- ❖ برای رسیدن به هدایت و ویژه‌ی الهی، تلاشی لازم است و باید گام اول را خود انسان بردارد. «جاهدوا - لنهدينهم»، چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: «ان تنصروا الله ينصركم» همین که گامی الهی بر داشته شد، در وسط راه، هدایت‌های غیبی می‌آید. «جاهدوا - لنهدينهم»
- ❖ آنچه به تلاش‌ها ارزش می‌دهد، خلوص است: «فينا» به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشیم. «لنهدينهم». از نشانه‌ی نیکوکار بودن، تلاش در راه حق و اخلاص است. «جاهدوا فينا - لمع المحسنين»
- ❖ همراه بودن خدای بزرگ با بنده‌ای ضعیف، یعنی رسیدن انسان به همه چیز. «ان الله لمع المحسنين» خداوند، هم راه قرب را به ما نشان می‌دهد و هم تا رسیدن به مقصد، دست ما را می‌گیرد. «لنهدينهم... مع المحسنين»

بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ. آل عمران / ۱۲۵.

آری اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

- ۱- استقامت و تقوا، عامل نزول فرشتگان و امدادهای غیبی است. «ان تصبروا و تتقوا... یمددکم ربکم»
- ۲- امدادهای الهی، اختصاص به زمان پیامبر ندارد. «ان تصبروا و تتقوا... یمددکم ربکم»
- ۳- مقاومت همراه با تقوا ارزش دارد و گرنه لجajt و یکدندگی است. «ان تصبروا و تتقوا»
- ۴- از دشمن غافل نشویم که هجوم او خشمگینانه و خروشان است. «یا توکم من فورهم»
- ۵- هرگاه هجوم دشمن بر اهل تقوا شدید باشد، خداوند نیز بر امدادهای خود می افزاید. «یا توکم من فورهم... بخمسۃ آلف»

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. آل عمران / ۱۳۹

و اگر مؤمنید سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید

- ۱- شکستِ موضعی در یک جنگ، نشانه‌ی شکستِ نهایی مسلمانان نیست. «ولا تهنوا ولا تحزنوا و انتم الاعلون»
- ۲- رهبر باید روحیه‌ها را تقویت کند. «وانتم الاعلون...»
- ۳- اگر به ایمان و اطاعت برگردید، در جنگ‌ها به پیروزی خواهید رسید. «وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین»
- ۴- در سایه‌ی ایمان، می‌توان بر همه جهان غالب شد. «انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین»
- ۵- پیروزی و شکست ظاهری ملاک نیست، برتری به خاطر عقاید صحیح و تفکر سالم اصل است. «وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین»
- ۶- در جهان بینی مادی، عامل پیروزی سلاح و تجهیزات است، ولی در بینش الهی، عامل پیروزی ایمان است. «ان کنتم مؤمنین»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ.
تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ
أَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. يَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي
جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. وَ أُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ
وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. صف / ۱۳-۱۰.

ای کسانی که ایمان آورده اید آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می رهاند. به خدا و رسولش ایمان آورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید که این برای شما بهتر است، اگر بدانید.
(در این صورت)، خداوند گناهان شما را می آمرزد و به باغ‌هایی که نهرها از زیر آنها جاری است و خانه‌های دل‌پسند در بهشت‌های جاودان واردتان می‌کند. این رستگاری بزرگی است. و نعمت دیگری که آن را دوست دارید، یاری و نصرت از جانب خداوند و پیروزی نزدیک است و (ای پیامبر!) مؤمنان را بشارت ده.

۱. تجارت معنوی برای همه قابل درک نیست، فقط مؤمنان به خدا این معنا را درک می کنند. «یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم...»
۲. انسان فطرتاً به دنبال سود است، آن هم سودی ثابت و پایدار. «هل ادلکم علی تجاره تنجیکم»
۳. تجارت، تنها در امور دنیوی نیست. «تجاره... تؤمنون بالله»؛ پیروی از پیامبران، تجارت پر سود است. «تجاره... تؤمنون بالله و رسوله»
۴. در تبلیغ دین، از عناوین و موضوعات مورد توجه مردم باید استفاده کرد. موضوع تجارت و کسب درآمد مورد نظر همه است، لذا ایمان به خدا، به عنوان یک تجارت پر سود مطرح می شود. «تجاره... تؤمنون بالله و رسوله»
۵. ایمان، تنها باور قلبی نیست، تلاش و جهاد لازم دارد. «تؤمنون... تجاهدون»
۶. ایمان و جهاد موسمی و فصلی و مقطعی کارساز نیست، تداوم لازم دارد. «تؤمنون... تجاهدون...» (فعل مضارع نشانه دوام و استمرار است.)
۷. در دستورات، از کار سبک تر شروع کنیم تا به کارهای سنگین تر برسیم. (جهاد با مال قبل از جهاد با جان آمده است). «باموالکم و انفسکم»
۸. بهشت را به بها دهند نه بهانه. «تؤمنون... تجاهدون... یدخلکم جنات»
۹. عمل کامل، پاداش کامل را در پی دارد. (در این آیات، مسئله ایمان به خدا و رسول و جهاد با مال و جان از یک سو و مغفرت همه گناهان و ورود در بهشت و فوز بزرگ از سوی دیگر مطرح شده است). «یفغر لکم... جنات... مساکن... ذلک الفوز العظیم»
۱۰. انسان در میان عذاب الیم و فوز عظیم قرار دارد که با معامله ای با خدا، از عذاب رها می شود و به فوز می رسد. «تنجیکم من عذاب الیم... ذلک الفوز العظیم»

وَالْوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَاهُمْ مَّاءً غَدَقًا. جن / ۱۶.

و اگر بر طریق (حق) استقامت کنند، آنان را با آبی فراوان سیراب می کنیم، تا در آن (رفاه و آسایش) امتحانشان کنیم.

- ۱- مهم تر از ایمان، پایداری و استقامت بر آن است. <<و ان لو استقاموا علی الطریقه>>
- ۲- در میان راه ها، تنها یک راه حق قابل قبول است. <<طرائق قددا... علی الطریقه>>
- ۳- بیان آثار و برکات ایمان، بهترین شیوه دعوت است. <<لو استقاموا... لاسقیناهم>>
- ۴- آثار ایمان تنها در آخرت نیست، بلکه در دنیا نیز ظاهر می شود. <<لاسقیناهم ماء غدقا>>
- ۵- استقامت بر راه حق ارزش است. و هر استقامتی ارزش ندارد، زیرا بعضی استقامت ها لجاجت و یک دندگی است. <<استقاموا علی الطریقه>>
- ۶- توسعه رزق، یکی از اسباب آزمایش است. <<لاسقیناهم ماء غدقا لنتنهم فیه>> (چنانکه حضرت سلیمان نیز توسعه رزق خودش را سبب آزمایش دانست. <<هذا من فضل ربی لیبلونی>>
- ۷- استقامت بر راه مستقیم، در طبیعت اثر می گذارد. <<ماء غدقا>>
- ۸- رفاه زمینه غفلت است. <<ماء غدقا لنتنهم فیه>>؛ با توسعه رزق مغرور نشوید. <<لنتنهم فیه>>؛ حتی بعد از استقامت بر راه حق و دریافت پاداش، کار خود را پایان یافته ندانید که تازه آزمایش دیگری شروع می شود. <<ماء غدقا لنتنهم فیه...>>
- ۹- خداوند، هم مهر دارد و هم قهر. <<ماء غدقا... عذاباً صعدا>>



إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ
تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ. آل
عمران / ۱۲۰.

اگر خوبی به شما رسد، آنان را غمگین سازد و اگر بدی به شما رسد، آنها بدان
شادمان می‌شوند و اگر (در برابرشان) صبر کنید و پرهیزکار باشید، حيله‌ی
بدخواهانه‌ی آنان هیچ آسیبی به شما نرساند. همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهند
احاطه دارد.



پیام‌های آیه



استقامت، هوشیاری و تقوا پیشگی رمز تضمین امنیت مسلمین؛ و **إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ
كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ**: "اما اگر در برابر کینه‌توزیهای آنها استقامت کنید، و
پرهیزگار و خویش‌ن‌دار باشید، آنان نمی‌توانند بوسیله نقشه‌های خائنانه خود به شما لطمه‌ای
وارد کنند، زیرا خداوند به آنچه می‌کنید کاملاً احاطه دارد."

پرهیز از خاص‌انگاری و اعتماد به دشمن: خداوند در این آیه به مؤمنان هشدار داده است، تا
دشمنان خود را جزء خاصان خویش قرار ندهند و رازهای مسلمانان و نیک و بد ایشان را، در
برابر این گروه آشکار نسازند، این اعلام خطر به صورت کلی و عمومی است و باید در هر
زمان و در هر حال مسلمانان به این هشدار توجه کنند.

بخش دوم: ضرورت «پیامدهای شوم سازش»

خروج از اسلام

رنج و زحمت

ارتجاع به جاهلیت

ذلت و خواری و پستی

ظالم شدن و خروج از مرز انسانیت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.
مائده/۵۱.

ای کسانی که ایمان آورده اید یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد از آنان خواهد بود آری خدا گروه ستمگران را راه نمی نماید.

- ۱- خداوند از بندگان مؤمنش، انتظارات خاصی دارد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا...»
- ۲- تبری از دشمن، از شرایط ایمان است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا...»
- ۳- اسلام، دین سیاست است و تنها به احکام فردی نمی پردازد. «لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ»
- ۴- وقتی یاری گرفتن از کفار مورد نهی قرآن است، قطعاً در روابط و سیاست خارجی، پذیرش ولایت و سلطه اهل کتاب و کفار ممنوع است. «لَا تَتَّخِذُوا...»

- ۵- ولایت کفار و دشمنان را نپذیریم، چون آنان تنها به فکر هم مسلکان خویشند. «بعضهم أولیاء بعض»
- ۶- با وجود اختلافات شدید میان یهود و نصاری، پیوندشان به خاطر نابودی اسلام است. «بعضهم اولیاء بعض»
- ۷- کفار تنها نسبت به تعهدات میان خودشان وفادارند، ولی نسبت به تعهدات با مسلمانان پایبند نیستند. «لا تتخذوا الیهود والنصارى اولیاء... بعضهم اولیاء بعض...»
- ۸- آن دولت های اسلامی که ولایت و سلطه کفار را پذیرفته اند، از کفار محسوب می شوند. «فانّهم منہم» (دوستی با هر کس و گروه، انسان را جزو آنان می سازد.)
- ۹- نه کفار را «ولی» خود گردانید و نه با آنان که ولایت کفار را پذیرفته اند، رابطه ولایت داشته باشید. «فانّهم منہم»
- ۱۰- نتیجه ی پذیرش ولایت کفار، قطع ولایت خداست. «فانّهم انّ اللّٰه لا یهدی القوم الظالمین»
- ۱۱- تکیه بر کفار، ظلم است. «لا یهدی القوم الظالمین»

... وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا. ...
بقره/۲۱۷

(مشرکان) پیوسته با شما می‌جنگند، تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند....

- ۱- لازم است آرزوها، هدف‌ها و تلاش‌های دشمن خود را بشناسیم.
«وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ»
۲. هجوم دشمن، توجیه کننده‌ی کفر و ارتداد شما نیست.
«وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ....»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا
مَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ
بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ. آل عمران / ۱۱۸.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دوست همرازی جز از همکیشان خود مگیرید، که دیگران از هیچ فسادى در حق شما کوتاهی نمی‌کنند و خواستار رنج و مشقت شمايند. و کينه‌توزى از گفتارشان آشکار است و آن کينه که در دل دارند بیشتر است از آنچه به زبان می‌آورند. آیات را برايتان آشکار ساختيم، اگر به عقل دريابيد.

اگر به واژه‌ی «وَدَّ» در قرآن بنگریم، آرزوهای دشمنان را درباره خود در می‌یابیم:

- ۱- او می‌خواهد ما از سلاح و سرمایه‌ی خود غافل باشیم. «وَدَّالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنِ اسْلِحَتِكُمْ وَامْتِعَتِكُمْ» <۱۳۷>
- ۲- او از ما سازش و نرمش می‌خواهد. «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» <۱۳۸>
- ۳- او برای ما رنج و فشار و زحمت می‌خواهد. «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ»
- ۴- او برای ما ارتداد و بازگشت از دین را می‌خواهد. «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا» <۱۳۹>

بنابراین روابط صمیمی با دشمن توطئه‌گر، نشانه‌ی بی‌عقلی است. برخورد با صفا، با افراد بی‌صفا، کم‌عقلی است. «ما تخفی صدورهم اکبر... ان کنتم تعقلون»

إِنْ يَنْصَرُّكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصَرُّكُمْ
مَنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ. آل عمران / ۱۶۰.

اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد. و اگر شما را خوار دارد، چه کسی از آن پس یاریتان خواهد کرد؟ پس مؤمنان باید که بر خدای توکل کنند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه میان انسان و گناه، مانعی حائل نشد و انسان گرفتار معصیت گردید، این خذلان الهی است.

نکته

- ۱- پیروزی‌های طبیعی تحت الشعاع عوامل دیگر واقع می‌شوند، اما نصرت و امداد الهی تحت الشعاع قرار نمی‌گیرد. «ان ينصرکم الله فلا غالب لکم»
- ۲- پیروزی و شکست هر دو با اراده‌ی خداوند است. «ينصرکم... یخذلکم»
- ۳- ایمان، از توکل بر خدا جدا نیست. «فلیتوکل المتوکلون»

پیام‌های آیه

وَلَّيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ. بقره/ ۱۴۵.

... و همانا اگر از هوسهای آنان پیروی کنی، پس از آنکه علم (وحی) به تو رسیده است، بی شک در این صورت از ستمگران خواهی بود.

- این آیه، از عناد و لجاجت اهل کتاب پرده برداشته و سوگند یاد می کند که هرچه هم آیه و دلیل برای آنان بیاید، آنها از اسلام و قبله ی آن پیروی نخواهند کرد. چون حقیقت را فهمیده اند، ولی آگاهانه از پذیرش آن سر باز می زنند.
- قانون، برای همه یکسان است. اگر بر فرض پیامبر نیز تابع هوا و هوس شود، گرفتار کیفر خواهد شد. «انّک اذا»
- با وجود قانون الهی، پیروی از خواسته های مردم ظلم است. «اذا من الظالمین»

فصل سوم: چگونگی مقاومت؟

باید
در مقابل ابرقدرت‌ها
مقاومت کرد



Ghafaseviran.blogfa.com

چگونگی مقاومت؟

شهادت طلبی

۷

توکل

۸

بصیرت، هوشمندی و روشنگری

۹

دعا و نیایش

۱۰

اقتدار و آمادگی همه جانبه

۱۱

داشتن تشکل و شبکه

۱۲

وحدت

۱

صبر

۲

مهر و محبت

۳

تلاش خستگی ناپذیر

۴

انفاق اقتصادی

۵

اقتدار و قدرت

۶

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ
اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ انفال / ۴۶.

و فرمانبری کنید خدا و فرستاده‌اش را و نزاع نکنید که سست شوید، و در نتیجه
نیرویتان تحلیل رود و خویشتن‌داری کنید که خدا با خویشتن‌داران است

قانون و رهبر الهی، محور وحدت است. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»
«أَطِيعُوا»، به قوانین الهی و «رَسُولَهُ» به رهبر آسمانی اشاره دارد

در این آیه، عامل اطاعت و وحدت از عوامل پیروزی مؤمنان ذکر
شده است و از صبر در جنبه‌ی روانی و باطنی یاد شده است.

إِنْ تُمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ إِنْ تَصْبِرُوا
وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ. آل عمران / ۱۲۰

اگر خوبی به شما رسد، آنان را غمگین سازد و اگر بدی به شما رسد، آنها بدان شادمان می شوند و اگر (در برابرشان) صبر کنید و پرهیزکار باشید، حيله‌ی بدخواهانه‌ی آنان هیچ آسیبی به شما نرساند. همانا خداوند به آنچه انجام می دهند احاطه دارد

راه نفوذ دشمن، یا ترس و طمع ماست و یا بی پروایی و بی تقوایی ما،
که صبر و تقوا، راه خنثی کردن آنهاست. «إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا
يَضُرُّكُمْ»

در برابر حسودانی که از رشد ما ناراحتند، چاره‌ای جز صبر و تقوا
نیست. «إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ»

خداوند با افشای روحيات دشمن، به مسلمانان هم روحيه می دهد و
هم بيدار باش. «إِنْ تُمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ»، «لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ».

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ.... فتح/ ۲۹

محمد رسول خدا است و کسانی که با او هستند علیه کفار شدید و بی رحمند و در بین خود رحیم و دلسوزند.

کلام در این صدد است که مؤمنین به رسول خدا (ص) را توصیف کند، و "شدت" و "رحمت" که دو صفت متضاد است از صفات ایشان شمرده شده. و جمله "أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ" را مقید کرد به جمله "رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ" تا توهمی که ممکن بود بشود دفع کرده باشد، و دیگر کسی نپندارد که شدت و بی رحمی نسبت به کفار، باعث می شود مسلمانان به طور کلی و حتی نسبت به خودشان هم سنگدل شوند لذا دنبال "اشدء" فرمود "رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ" یعنی در بین خود مهربان و رحیمند. و این دو جمله مجموعاً افاده می کند که سیره مؤمنین با کفار شدت و با مؤمنین رحمت است.

در حقیقت عواطف آنها در این «مهر» و «قهر» خلاصه می شود، اما نه جمع میان این دو در وجود آنها تضادی دارد، و نه قهر آنها در برابر دشمن و مهر آنها در برابر دوست سبب می شود که از جاده حق و عدالت قدمی بیرون نهند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ
يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ
يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ
يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. مائده / ۵۴.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد (به خدا
ضرری نمی‌زند، چون) خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست
دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر
کافران سرسخت و قاطعند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ
ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند. این فضل خداست که به هر که بخواهد (و شایسته
ببیند) می‌دهد و خداوند وسعت بخش بسیار داناست

پیام های آیه

رفتار مسلمان، نرمش با برادران دینی و سرسختی در برابر دشمن است و هیچ یک از خشونت و نرمش، مطلق نیست. «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»

۱

دوستی متقابل میان بنده و خدا، از کمالات بشر است. «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» با نوید جایگزینی دیگران، جلو یأس و ترس را بگیرید. «مَنْ يَرْتَدَّ» ... «فَسَوْفَ يَأْتِي» ... «وَلَا يَخَافُونَ»

۲

اسلام رو به گسترش است، تنها به ریزش ها نگاه نکنیم به رویش ها نیز نگاه کنیم. «مَنْ يَرْتَدَّ» ... «يَأْتِي اللَّهُ»

۳

دوستی با بیگانگان و دست دراز کردن به سوی آنها نشانه قدرت و تفاخر نیست؛ بلکه وعده الهی است که این جماعت از جامعه اسلامی گریزان و مرتد می شوند هر چند صاحب نام و آوازه باشد و خداوند قومی را بر آنها مسلط خواهد کرد که آن قوم برای تحقق جامعه فاضله تلاش خواهند کرد. از ویژگی های این جماعت دوستی با خدا و دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خداست.

۴

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. بقره/ ۱۹۵

و در راه خدا انفاق کنید، و خود را با دست خود به هلاکت ميفکنید، و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

اقتصاد، پشتوانه‌ی هر حرکتی است. «أَنْفِقُوا» جهاد نیز بدون پشتوانه مالی و گذشت از برخی امکانات، امکان ندارد. اگر مردم به هنگام هجوم دشمن و در راه دفاع از حق، اموال خود را بکار نگیرند، گرفتار شکست قطعی می‌شوند.

با انفاق، خود و اموالتان را بیمه کنید. «أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»

در اسلام جبهه و جنگ و کمک‌های مالی همه باید رنگ الهی داشته و برای رضای خداوند باشد. «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» محبوب خدا شدن، بهترین تشویق برای احسان است. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. توبه/ ۱۲۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با کافرانی که نزدیک شمايند جنگ کنید تا در شما شدت و درشتی يابند، و بدانيد که خدا با پرهيزگاران است

«غِلْظَةً» به معنای صلابت، قدرت و هيبت است، نه سگدلی و بد خلقی. از اين رو در مسائل نظامی، مانور و قدرت‌نمایی و رژه و لباس و شعار و هر چه که قوای اسلام را قدرتمند نشان دهد، مورد ستايش است. پيامبر خدا صلی الله عليه و آله نیز هنگام فتح مکه، مسلمانان را فرمان داد تا در مقابل چشم ابو سفیان رژه رفتند تا با نشان دادن قدرت و شکوه سپاه اسلام، روحیه‌ی مشرکان تضعيف شود.

هر چه برای ایجاد صلابت و شدت لازم است باید تدارک دید، چه شجاعت رزمندگان و چه ابزار و سلاحهای پیشرفته و چه آموزش‌های پیشرفته و تخصصی. «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً». سپاه اسلام، باید صلابت و هيبت داشته باشد.

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ ءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ. انفال / ۶۰

و در برابر آنها تا می توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود- و جز آنها که شما نمی شناسید و خدا می شناسد- را بترسانید. و آنچه را که در راه خدا هزینه می کنید به تمامی به شما بازگردانده شود و به شما ستم نشود.

مسلمانان باید آمادگی رزمی کامل، از نظر تجهیزات، نفرات و ... داشته باشند و از پیش آماده‌ی مقابله با خیانت و حمله دشمن باشند. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ»

هدف از آمادگی نظامی، حفظ مکتب و وطن مسلمانان است، نه غارت و استعمار و امثال آن. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ...» در اسلام، همه‌ی مسلمانان سربازند و بسیج مردمی ضروری است. «أَعِدُّوا»، «تُرْهَبُونَ»، «تُنْفِقُوا مِنْ...»

در هر زمان، پیشرفته‌ترین امکانات رزمی را برای دفاع آماده کنید و از هیچ چیز فروگذار نکنید، چه قدرت سیاسی و نظامی، چه امکانات تبلیغی و تدارکاتی. «مِنْ قُوَّةٍ».

«شهادت طلبی» و معامله با خدا

۸

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا. نساء/ ۷۴

پس باید در راه خدا کسانی بجنگند که زندگی دنیا را به آخرت می فروشند و کسی که در راه خدا می جنگد، کشته شود یا پیروز گردد، بزودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد.

جهاد اکبر و مبارزه با دنیا پرستی، مقدمه‌ی جهاد اصغر و مبارزه با دشمن است. «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ...» زندگی آخرت برتر از زندگی دنیاست و معامله دنیا با آخرت کار بزرگی است. «يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ»، «أَجْرًا عَظِيمًا»

جهاد، توفیقی است که به همه داده نمی شود. «فَلْيُقَاتِلْ»، «الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ» دنیا طلبان نه لیاقت جبهه را دارند و نه شجاعت آن را.

مجاهد فی سبیل الله هرگز مغلوب نیست. (به جای «يَغْلِبُ» می فرماید: «فَيُقْتَلُ» در جبهه‌ی حق، فرار و شکست مطرح نیست، یا شهادت یا پیروزی. «فَيُقْتَلُ أَوْ يَغْلِبُ»

پنجم‌های آیه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ. مائده / ۱۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که قومی آهنگ آن داشتند که بر شما دست یازند و [خدا] دستشان را از شما کوتاه داشت و از خدا پروا دارید و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند».

با تقوا و توکل و ایمان، لطف خدا را به خود جلب، و خطر دشمنان را دفع کنیم. «فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (همان گونه که به خاطر گناه، خداوند دشمن را بر انسان مسلط می‌کند، توجه به خدا هم موجب دفع دشمنان است).

لازمه‌ی ایمان و تقوا تکیه بر خداست. «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» تقوا و توکل داشتن، اثر یاد خداوند و ایمان است. «اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ» ... («وَ اتَّقُوا اللَّهَ») ... «فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَنَ
اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ كَهْف / ۶۸-۶۷

(ای پیامبر تو نیز) بگو: این راه من است. من و هر کس پیروی ام کرد با بینایی به سوی
خدا دعوت می کنیم و خداوند (از هر شریکی) منزّه است و من از مشرکان نیستم

- ۱- راه انبیا، روشن و در معرض شناخت و دید همگان است. «هذه سبيلي»
- ۲- پیمایندگان راه حق باید مواضع خود را با صراحت و بدون ترس بیان و اعلام کنند. «هذه سبيلي»*
- ۳- دعوت رهبر باید به سوی خدا باشد، نه به سوی خود. «ادعوا الى الله»
- ۴- رهبر باید بصیرت کامل داشته باشد. «على بصيرة»
- ۵- مردم را چشم بسته و بدون آگاهی نباید به انجام کاری ترغیب کرد. «على بصيرة»*
- ۶- پیروان پیامبر باید هر کدام مبلغی باشند که با بصیرت و آگاهی مردم را به سوی خدا دعوت کنند. «ادعوا الى الله... أنا و من اتبعني»

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا
وَتَبَّتْ أُقْدَامُنَا وَأَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. آل عمران / ۱۴۷

و پروردگارتان گفت: «مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت
من سر باز زده و تکبر می‌ورزند به زودی با سرافکندگی به جهنم وارد می‌شوند»

گفتگو با خداوند، کلید رشد و تربیت انسان است. «قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي»؛ میان
دعای انسان و ربوبیت خداوند، رابطه‌ای تنگاتنگ است. (اکثر دعا‌های قرآن
همراه «رَبَّنَا» آمده است). «رَبُّكُمْ ادْعُونِي»

خداوند، از ما خواسته که به درگاه او دعا کنیم. «قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي»؛ در دعا
فقط خدا را بخوانیم، نه خدا و دیگران را در کنار هم. «ادْعُونِي» خداوند
نیازهای ما را می‌داند، ولی دستور دعا نشانه‌ی آن است که درخواست ما
آثاری دارد. «ادْعُونِي»

دعا نکردن، نشانه‌ی تکبر است. «يَسْتَكْبِرُونَ». دعا، درمان تکبر است.
«يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي» دعا عبادتی مخصوص و الهی است. «عِبَادَتِي»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. آل عمران / ۲۰۰

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و (در برابر دشمنان نیز) پایدار باشید (و دیگران را به صبر دعوت کنید) و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند پروا داشته باشید، شاید که رستگار شوید.

از دیگران عقب نمانید، اگر کفار در کفر خود مقاومت می‌کنند، کشته می‌دهند و مال خرج می‌کنند، شما نیز در راه خدا با جان و مال پایداری کنید. «صابرُوا»

اسلام، دین ارتباط است. ارتباط با مردم، خدا و پیامبران. «رابطُوا» صبر و مصابره و رابطه باید جهت‌دار باشد و در مسیر تقوی و رضای الهی قرار گیرد، و گر نه کفار هم این امور را دارند. «صابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ»

اسلام دین جامعی است، صبر و تقوی در کنار توجه به مرزها بیان شده است. «اصْبِرُوا»، «رابطُوا».

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. آل عمران / ۱۷۳

مؤمنان کسانی هستند که (چون) مردم (منافق) به ایشان گفتند: بی شک مردم (کافر مکه) بر ضد شما گرد آمده (و بسیج شده) اند، پس از آنان بترسید، (آنها به جای ترس) بر ایمانشان بیافزود و گفتند: خداوند ما را کفایت می کند و او چه خوب نگهبان و یابوری است.

۱. در برابر تبلیغاتِ توخالی دشمن نهراسید. «فاخشوهم فزادهم ایمانا».
۲. در جبهه ها، مواظب افراد نفوذی دشمن باشید. «فاخشوهم»
۳. قوی ترین اهرم در برابر تهدیدات دشمن، ایمان و توکل به خداست. «حسبنا الله و نعم الوکیل»
۴. مؤمن وقتی در گرداب بلا قرار می گیرد، توکل و اتصال خود را با خدا بیشتر می کند. «زادهم ایمانا»
۵. هم حرکت و تلاش لازم است، هم ایمان و توکل. «استجابوا... حسبنا الله و نعم الوکیل».



ولایت محور راہبرانہ مقاومت

ولایت محور راهبرانه در مقاومت

● حاکمیت ولایت، حاکمیت دین در جامعه و نظامی مبتنی بر آیین وحیانی و برآمده از متن مردم است که سرفصل مشترک و راهبرانه برای گونه های مختلف مقاومت در حوزه های چiesti، چرایی و چگونگی است.

❖ اتصال به ولایت و تمسک به دامن پرمهرش، طریق نجات است و سعادت؛

❖ عدول و تخطی از آن آغازش شقاوت است و فرجامش نگون بختی و ضلالت.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ. مائده / ۵۵.

ولی و سرپرست شما، تنها خداوند و پیامبرش و مؤمنانی هستند که نماز را برپا می‌دارند
و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

۱. اسلام، هم دین ولایت است و هم دین برائت. هم جاذبه دارد و هم دافعه. آیات قبل، از پذیرش ولایت یهود و نصاری نهی کرد، این آیه می‌فرماید: خدا و رسول و کسی را که در رکوع انگشتر داد، ولی خود قرار دهید. «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا... انما ولیکم الله...»
۲. از اینکه به جای «اولیائکم»، «ولیکم» آمده ممکن است استفاده شود که روح ولایت پیامبر و علی‌علیهما السلام، شعاع ولایت الهی است. «ولیکم».
۳. کسانی که اهل نماز و زکات نیستند، حق ولایت بر مردم را ندارند. «انما ولیکم الله...» («انما»، نشانه‌ی انحصار ولایت در افراد خاص است).

۱. ولایت از آن کسانی است که نسبت به اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات پایدار باشد.
«یقیمون الصلوة و یؤتون...» («یقیمون» و «یؤتون» نشانه دوام است).
۲. هرگونه ولایت، حکومت و سرپرستی که از طریق خدا و رسول و امام نباشد، باطل است. «انما ولیکم الله...» (کلمه «انما» علامت حصر است).
۳. کسی که نسبت به فقرا بی تفاوت باشد، نباید رهبر و ولیّ شما باشد. «انما ولیکم الله... و یؤتون الزکاء»
۴. ولایت‌ها در طول یکدیگرند، نه در برابر یکدیگر. ولایت بر مسلمین، ابتدا از آن خداست، سپس پیامبر، آنگاه امام. «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا...»
۵. حضرت علی علیه السلام در زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ولایت داشته است. «انما ولیکم الله و رسوله» (ظاهر ولایت، ولایت بالفعل است، نه ولایت بالقوه. زیرا ولایت در آیه یکبار بکار برده شده که یا همه بالفعل است و یا همه بالقوه می‌باشد).

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.
مائده / ۵۶.

و هر کس که خدا و پیامبرش و چنان مؤمنانی را (که در آیه قبل بیان شد) ولیّ خود بگیرد (از حزب خداست) همانا حزب خدا پیروز است.

- ۱- حزب الله، تنها کسانی اند که ولایت خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را پذیرفته باشند. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ... فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ»
- ۲- غلبه‌ی نهایی با کسانی است که ولایت خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را بپذیرند. «وَمَنْ يَتَوَلَّ... هُمُ الْغَالِبُونَ»
- ۳- چون خداوند غالب است، «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ» [۱۲۹]، وابستگان به او هم غالبند. «حزب الله هم الغالبون»
- ۴- با وعده‌های الهی، حزب الله به آینده‌ی خود مطمئن است. «هم الغالبون».

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ...
(نساء/ ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول و اولی الامر خود
(جانشینان پیامبر) اطاعت کنید.

این آیه به وظیفه‌ی مردم در برابر خدا و پیامبر اشاره می‌کند. با وجود سه مرجع
«خدا»، «پیامبر» و «اولی الامر» هرگز مردم در بن بست قرار نمی‌گیرند.

آمدن این سه مرجع برای اطاعت، با توحید قرآنی منافات ندارد، چون اطاعت
از پیامبر و اولی الامر نیز، شعاعی از اطاعت خدا و در طول آن است، نه در
عرض آن و به فرمان خداوند اطاعت از این دو لازم است.

قرآن درباره مفسدان، مسرفان، گمراهان، جاهلان، جبّاران و... دستور «لاتطع»
و «لاتتبع» می‌دهد. بنابراین موارد «اطیعوا» باید کسانی باشند که از اطاعتشان
نهی نشده باشد و اطاعتشان در تضادّ با اوامر خدا و رسول قرار نگیرد.

فهرست منابع و مآخذ

- (۱) قرآن کریم
- (۲) قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- (۳) طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه حسینی همدانی، چاپ پنجم، تهران: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه.ق.
- (۴) مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.
- (۵) قرائتی محسن، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
- (۶) تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- (۷) نرم افزار جامع التفاسیر، موسسه نور قم، ۱۳۸۶.

اللہ مہدی علیہ مد و آلہ